

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

فرستنده: علی کاظمی

۲۳ جنوری ۲۰۲۴

کشتار خلق فلسطین در صد و هشتمین روز تهاجم خونبار اسرائیل بر غزه!



۲۵۰۰ کشته در غزه؛ نتانیاہو: جنگ را در همه جبهه ها ادامه می دهیم!

فشار بر بنیامین نتانیاہو برای بازگرداندن گروگان های اسرائیلی رو به فزونی است، حملات علیه نیروهای این کشور در شمال غزه نیز دوباره آغاز شده و گفته می شود حماس توانسته گذرگاهی در جباليا را دوباره در کنترل خود بگیرد، به گزارش سازمان های اطلاعاتی امریکا، تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد نیروهای حماس از بین رفته اند، نتانیاہو با رد شروط حماس مجددا گفته است جنگ در همه جبهه ها ادامه خواهد یافت

عملیات هوایی و زمینی اسرائیل بر خان یونس، جنوب غزه متمرکز است، جایی که ارتش اسرائیل معتقد است فرماندهان ارشد حماس پنهان شده اند.

ارتش اسرائیل می گوید در خان یونس تونل ۸۳۰ متری دیگری را کشف کرده که بر اساس تصاویر منتشر شده چند تشک در آن قرار داشتند. اسرائیل می گوید حماس ۲۰ نفر از گروگان ها، از جمله کودکان را در این محل نگهداری می کرده است.

هیچ گروگانی در جریان کشف این تونل پیدا نشده است.

درحالی که فشار بر بنیامین نتانیاهاو برای بازگرداندن گروگان‌های اسرائیلی رو به فزونی است، حملات علیه نیروهای این کشور در شمال غزه نیز دوباره آغاز شده است و گفته می‌شود در پی انتقال بخشی از نیروها و تانک‌های اسرائیلی به جنوب غزه، حماس توانسته گذرگاهی در جباليا را دوباره در کنترل خود بگیرد.

به گزارش بی بی سی کندی در رسیدن به اهداف جنگ و این نکته که هیچ فرمانده ارشد قابل توجهی از حماس تا کنون کشته یا دستگیر نشده است در کنار بار رنجی که بر ۱۳۰ گروگان اسرائیلی در نتیجه ادامه اسارتشان تحمیل می‌شود باعث خشم روز افزون از عملکرد دولت اسرائیل در این کشور شده است.

روز یکشنبه رسانه‌های امریکا به نقل از سازمان‌های اطلاعاتی این کشور اعلام کردند که نیروهای اسرائیلی "تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد" از نیروهای حماس را کشته‌اند. بنابر این ارزیابی، این آمار از هدف اسرائیل که "نابودی" حماس اعلام شده بود، "بسیار دورتر" است. در عین حال و براساس این گزارش وال استریت ژورنال، سازمان‌های اطلاعاتی امریکا می‌گویند این آمار نشانه‌ای از "تاب‌آوری و توانائی" این گروه برای ترمیم خویش پس از ماه‌ها جنگی است که ویرانی گسترده در باریکه غزه به بار آورده است.

به گفته مقامات امریکائی، برآورد خسارت‌ها نشان می‌دهد که حماس همچنان مهمات کافی برای ماه‌ها ادامه حملات به اسرائیل و همچنین نیروهای اسرائیلی در غزه را در اختیار دارد.

بنابر گزارش‌های محرمانه‌ای که مقام‌های امریکائی نیز آنها را تأیید کرده‌اند، حماس در تلاش است تا بخشی از پلیس شهری خود را بازسازی کند. برخی از مقام‌های اسرائیلی نیز اذعان کرده‌اند که با وجود تهاجم هوائی و زمینی در داخل غزه که به کشته‌شدن هزاران نفر انجامید، هدف نابودی حماس که از سال ۲۰۰۷ این باریکه را اداره می‌کرد محقق نشده است.

اعضای خانواده گروگان‌های اسرائیلی به تجمعات اعتراضی خود در برابر محل اقامت نخست وزیر ادامه می‌دهند و می‌گویند نخست وزیر باید به آزادی گروگان‌ها اولویت بدهد و نه هدف بالقوه ناممکن نابودی حماس.

بر اساس یکی از تازه‌ترین نظرسنجی‌ها در اسرائیل تنها ۱۵ درصد از عموم از ابقای آقای نتانیاهاو در قدرت بعد از جنگ حمایت می‌کنند.

گروه خانواده گروگان‌ها و مفقودان اسرائیلی در بیانیه‌ای از آقای نتانیاهاو خواسته صریحا اعلام کند که غیرنظامی‌ها، سربازان و کسان دیگری که در جریان حمله ۷ اکتبر به گروگان گرفته شده‌اند را رها نخواهد کرد: "ما باید همین الان توافق را پیش ببریم. اگر نخست وزیر تصمیم گرفته که گروگان‌ها را قربانی کند باید شجاعت و صداقت آن را داشته باشد که موضع خود را با مردم اسرائیل در میان بگذارد."

نتانیاهاو: شروط حماس را نمی‌پذیریم و جنگ را در همه جبهه‌ها ادامه خواهیم داد

بنیامین نتانیاهاو، نخست وزیر اسرائیل، روز یکشنبه ۱ بهمن با رد شروط حماس در قبال آزادی اسرای اسرائیلی و توقف جنگ در غزه گفت جنگ در همه جبهه‌ها ادامه خواهد یافت.

به گزارش العربیه نتانیاهاو تأکید کرد: "هر کس ما را هدف قرار دهد به او حمله می‌کنیم. تاکنون ۱۱۰ گروگان را بازگردانیم و متعهد هستیم که همه آن‌ها را باز گردانیم. این یکی از اهداف جنگ است و فشار نظامی شرط اساسی برای دستیابی به آن است."

نخست‌وزیر اسرائیل درباره شروط حماس مبنی بر توقف جنگ در ازلی آزادی اسرا گفت: "من کاملاً شروط تسلیم حماس را در مقابل آزادی گروگان‌های ما، که خواستار پایان کامل جنگ، خروج نیروهای ما از غزه، آزادی تمامی زندانیان فلسطینی از جمله نیروهای نخبه حماس و ماندن این گروه در قدرت را رد می‌کنم."

نتانیاهاو افزود: "اگر با این شروط موافقت کنیم امکان تضمین امنیت شهروندانمان وجود ندارد. من حاضر به پذیرش این شروط که امنیت اسرائیل را به خطر می‌اندازد نیستم و هرگز هم آن را نخواهم پذیرفت."

او در ادامه خاطرنشان کرد: "هیچ جایگزینی برای پیروزی وجود ندارد که نابودی حماس و بازگشت گروگان‌های ما را تضمین کند."

نتانیاهاو با پافشاری بر "ادامه جنگ در تمامی جبهه‌ها" گفت: "ما به هیچ تروریستی چه در غزه، یا لبنان، یا سوریه و یا هر جای دیگر باشد، مصونیت نمی‌دهیم."

او افزود: "غزه باید خالی از سلاح و تحت کنترل کامل امنیتی اسرائیل باشد."

نخست‌وزیر اسرائیل ادامه داد: "من این سخنان را با جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا در تماس تلفنی آخر هفته در میان گذاشتم و برای حمایت آمریکا از اسرائیل ارزش زیادی قائل هستم و این را به بایدن گفتم."

نتانیاهاو افزود: "پس از پیروزی و نابودی حماس، اصرار دارم که هیچ کس در غزه نباشد که تروریسم را تامین مالی کند."

نخست‌وزیر اسرائیل ضمن مخالفت مجدد با درخواست‌های تشکیل کشور فلسطین تأکید کرد همه فشارهای بین‌المللی و داخلی در این باره را نمی‌پذیرد.

امریکا مرگ دو سربازی که هنگام رویارویی با قایق حوثی‌ها مفقود شدند را اعلام کرد

ارتش آمریکا شامگاه یکشنبه یکم بهمن از مرگ دو سربازی که در جریان رویارویی با قایق حامل اسلحه حوثی‌ها مفقود شده بودند، خبر داد.

این دو سرباز امریکائی در عملیاتی در نزدیکی سواحل صومالی برای مصادره سلاح‌های ایرانی که برای حوثی‌ها در یمن ارسال شده بود، مفقود شده بودند.

فرماندهی مرکزی آمریکا "سنتکام" پیش از این گزارش داده بود که دو تفنگدار دریائی که در دریا مفقود شده‌اند در ۱۱ ژانویه در عملیاتی با افرادی از نیروهای ویژه دریائی آمریکا که شامل سوار شدن به یک قایق بادبانی که حامل قطعات راکت ساخت ایران برای انتقال به حوثی‌ها بود، شرکت کرده بودند.

در بیانیه‌ای سنتکام آمده است: "اعلام می‌کنیم که متأسفانه پس از جستجوی گسترده که به مدت ۱۰ روز به طول انجامید، نتوانستیم دو پرسنل ناپدید شده نیروی دریائی آمریکا را پیدا کنیم و وضعیت آنها از مفقود به "مرد" تغییر یافته است."

چشمان بینای جنگ: روایت های روزنامه نگاران فلسطینی در بحبویه نسل کشی در غزه



روزنامه نگاران غزه تجارب دلخراش خود از جمله از دست دادن اعضای خانواده و همکاران خود را در گزارش نسل کشی جاری توصیف می کنند

صبح روز بیستم جنگ، همسرم سالم، خبرنگاری که از همان لحظات اولیه این جنگ را پوشش می داد، با من تماس گرفت. از من خواست که آمدن به محل کار موقت مان را به تعویق بیندازم. ما هر دو خبرنگار هستیم و در مجتمع پزشکی ناصر کمپ زده ایم. یک حمله هوایی اسرائیل منطقه پشت مجتمع پزشکی را هدف قرار داده بود که باعث ویرانی عظیم، کشته و زخمی شدن بسیاری شد.

دو ساعت بعد، او در جلیقه مطبوعاتی خود به دیدنم آمد، ضربه خورده و به سختی قادر به صحبت کردن بود، تنش از عرق و زباله پوشیده بود. او برای من تعریف کرد که چگونه محل را با آمبولانس ها و ماشین های غیرنظامی که مجروحان را منتقل می کردند، ترک کرده است، در حالی که دیگران هنوز اجساد و بقایای فرزندان و اعضای خانواده شان را در پتو می پیچیدند. "خسته ام. دیدیم راکت ها به سمت ما آمدند. آنها را شمردیم. این کی تمام می شود؟" من و سالم دو نفر در میان بسیاری هستیم. در چادر مطبوعاتی ده ها خبرنگار برای انجام وظایف خود گرد هم می آیند. سالم شب را در آنجا سپری می کند، من حدود ظهر به محل کارمان می روم و قبل از غروب آفتاب، به سمت خانه امن حرکت می کنیم، جایی که شب را با دو فرزندمان می گذرانم.

هر روز صبح حدود ساعت ۹ سعی می کنیم تلفنی با هم تماس بگیریم. معمولاً من تماس می گیرم: "صبح بخیر، هنوز زنده ای؟" بر سر زمانی توافق می کنیم که او به خانه بیاید. دو فرزند ما گوش می دهند و شروع به شمارش معکوس می کنند. به محض ورود سالم، آنها با من مسابقه می دهند تا زودتر پدرشان را در آغوش بگیرند و لیستی از خواسته های خود را به او ارائه دهند. سالم سعی می کند در راه بازگشت به بهترین شکل ممکن خواسته های آن ها را برآورده کند. دوباره قبل از اینکه ما را برای شب ترک کند، انبوه بوسه ها و در آغوش گرفتن ها تکرار می شود.

خانواده ما تنها نیست. ده ها نفر از همکارانمان که در کنار ما در چادر مطبوعاتی برپا شده در مجتمع پزشکی ناصر در خان یونس، غزه جنوبی کار می کنند، در شرایط مشابه، اگر نگویم بدتر، قرار دارند. تجارب قبلی و مداوم در مورد حملات هوایی به روزنامه نگاران به ما آموخته است که ما هدف هستیم و بهتر است با هم در یک جا جمع شویم تا از یکدیگر حمایت کرده و به یکدیگر آرامش بدهیم.

چادرهای مطبوعاتی در بیمارستان ها مانند بیمارستان دارالشفا در شمال و بیمارستان شهدای اقصی در مرکز شهر غزه برای استفاده از منابع برق موجود و دسترسی به اینترنت برپا شده است. چادرها گاهی از سوی سندیکای روزنامه‌نگاران، دفتر رسانه‌ای حماس، یا از پخش‌کننده‌های اصلی با منابع بهتر، مانند کانال فلسطین، حمایت می‌شوند. ترس از دست دادن خانواده مانند سایه ای خبرنگاران و عزیزانشان را دنبال می‌کند. آنهایی که در خانه هستند از از دست دادن کسانی که در محل کار هستند می‌ترسند، و کسانی که در محل هستند از از دست دادن آنها که در خانه هستند.

صبح روز بعد از قتل اعضای خانواده وائل الدحود، خبرنگار ارشد الجزیره، از جمله همسر، دختر و پسرش، در نوزدهمین روز جنگ، ترس سردی بر دل ما نشست. همه ما می‌ترسیدیم که نفر بعدی باشیم، می‌دانستیم که او اولین نفر در میان ما نبوده است.

علی‌گداشه، عکاس خبری، خواهر و سه تن از برادرانش را در یک حمله هوایی در حین انجام وظیفه از دست داد. محمود هانیه روزنامه‌نگار، همسر و پسرشان را که هنوز یک ساله نشده بود از دست داد. خالد الاشقر روزنامه‌نگار نیز در حین انجام وظیفه همسر خود را از دست داد.

خانواده اشقر ناامیدانه در جستجوی پناهگاهی بودند و در کنار هزاران نفر دیگر از خانه‌های خود فرار کردند و حداقل چهار بار پناهگاه خود را تغییر دادند تا اینکه به خان یونس رسیدند. خالد در چادر مطبوعاتی برپا شده در بیمارستان شهدای اقصی کار می‌کند. او در ساعات اولیه سحر و دوباره در اعماق شب در میان حملات هوایی که شب‌ها وحشتناک می‌شود، خانواده‌اش را برای رساندن آن‌ها به جایی همراهی کرده است.

"همسرم در یک حمله هوایی کشته شد. پسرم زخمی خفیفی برداشت. برادرزاده‌هایم جراحات متوسطی دیدند و مجبور شدند پای خواهرزاده‌ام را قطع کنند. هرگز تصور نمی‌کردم این اتفاق برای من بیفتد. همسرم را دفن کردم و فردای آن روز به سر کار برگشتم. خالد به من می‌گوید: "زندگی ما، چهار بچه‌مان و من، بدون او واقعاً سخت است، به‌خصوص در این زمان."

"من به عنوان خبرنگار تحت فشار زیادی هستم. مجبور شدم بچه‌ها را از هم جدا کنم تا همه با هم در حملات هوایی بعدی نمیریم. دو تا از آن‌ها با پدربزرگشان هستند، یکی با خواهرم و یکی هم با من. من نتوانسته‌ام کار را متوقف کنم. ما صدای بسیاری از افراد دیگر هستیم که هیچ راه دیگری برای انتقال روایت‌های خود در مورد وحشت و بی‌عدالتی‌هایی که با آن روبرو بوده‌اند ندارند. ما این مأموریت را بر عهده گرفته‌ایم."

ویسام یاسین، خبرنگار الحره در غزه، با او هم نظر است. "ما غیرنظامیان فلسطینی هستیم مانند سایر فلسطینی‌هایی که در محاصره زندگی می‌کنند، اما وظیفه ارائه حقیقت را نیز بر عهده داریم."

ویسام مادر سه فرزند، دو دختر و یک پسر است که در طول روز آنها را که نزد اقوامش در جنوب غزه هستند ترک می‌کند. او تجربیات خود را از گزارش این جنگ در حالی که در کنار هم روی یکی از پیاده‌روهای مجاور چادر مطبوعاتی نشسته‌ایم، تعریف می‌کند. "من بسیاری از خصومت‌ها و جنگ‌های نظامی را پوشش داده‌ام، اما هیچ چیز قابل مقایسه با آنچه اکنون در حال رخ دادن است نیست. ما فرصتی برای فکر کردن یا گریه کردن نداریم. ما نمی‌توانیم بفهمیم چه اتفاقی دارد می‌افتد. گاهی اوقات می‌گویم که ما فقط با قدرت روحیه خود توانسته‌ایم به راه خود ادامه دهیم، زیرا راکت‌ها در قلب ما فرود می‌آیند. به محض اینکه پخش اخبار را تمام می‌کنیم، با عجله به سراغ تلفن‌های خود می‌رویم تا از خانواده‌های خود خبر بگیریم و از سالم بودن آنها مطمئن شویم، آن‌هم در صورتی که شبکه تلفن از هر

دو طرف کار کند. اگر کار نکند، تمام سناریوهای وحشتناک به مغزم هجوم می آورند. تمام تمرکز را برای ادامه ی کار از دست می دهم. ذهنم بی قرار می شود تا زمانی که مطمئن شوم حالشان خوب است."

"فرزندم از کار من ناراحت هستند. صحبت کردن با کوچکترین دخترم باعث می شود وقتی جملاتی مانند "مادرِ دوستم با اوست، اما تو با ما نیستی" را می شنوم، احساس گناه کنم، به خصوص به این دلیل که من شب را با آنها نمی گذرانم. من از زمان شروع این جنگ فقط یک شب را در کنار آنها سپری کردم. تمام شب های دیگر با ماشین پخش که در مجتمع پزشکی ناصر پارک شده است، اینجا بودم."

او می افزاید: "در هفته اول جنگ، من برای پوشش رویدادها رفتم، تنها یک هفته بعد توانستم نزد بچه هایم برگردم تا آن ها را بردارم و به جنوب فرار کنم. با همان لباس هائی که در تتمان بود فرار کردیم. این تمام چیزی است که در حال حاضر داریم و من فرصت خرید بیشتر ندارم. هوا شروع به سرد شدن کرده است، بنابراین مجبور شدم برای خرید یک شلوار پائیزی برای کوچکترین فرزندم به یکی از مغازه های اطراف اینجا بروم. من با همین جلیقه مطبوعاتی بودم؛ همه کسانی که من را دیدند - رهگذران و فروشندگان - همه در مورد آتش بس پرس و جو کردند. مردم به ما به عنوان منبع اطلاعات نگاه می کنند. و این از درون مرا می پاشاند."

وضعیت ربع الاگرامی خبرنگار TRT عربی تفاوت چندانی ندارد. او چهار فرزندش را نزد پدر و عمه شان می گذارد تا به محل کار خود برود. ساعت ۷ صبح می رود و عصر برمی گردد. او سعی می کند دقایقی را در بین پخش زنده اش استفاده کند تا از مغازه های اطراف برای فرزندانش چیزی بخرد، خانواده او نیز از شهر غزه به خان یونس آواره شده اند.

به محض اینکه او یکی از بخش های برنامه ی خود را تمام کرد، برای گپ زدن در وسیله نقلیه پخش می نشینیم. او به من می گوید: "من از سحر شروع می کنم، فرزندم را دوست دارم، آنها را در آغوش می گیرم، آنها را سرشار از عشق می کنم و قبل از رفتن به مسیر مرگ، از عشق سیرشان می کنم. فاصله تا چادر مطبوعاتی طولانی و دشوار است. با اتوموبیل حدود ۳۰-۲۰ دقیقه با سرعت بالا طول می کشد. در تمام طول راه، از خدا می خواهم که بتوانم به سلامت این راه را طی کنم. جاده خلوت و کاملاً خالی از مردم است و قبلاً هدف حملات هوائی قرار گرفته است."

الاگرامی از اولین لحظه این جنگ را پوشش داده است - در طول حملات نظامی قبلی، او معمولاً این گزینه را داشت که از خانه کار کند. تضاد برای او قابل توجه است: "من همه چیز را با چشمان خود می بینم. صحنه های خون و قتل عام که قبلاً در یک صفحه نمایش نشان داده می شد، اکنون تنها نیم متر با من فاصله دارد. شهادت دادن به این موضوع، دیدن این که چگونه پزشکان سعی می کنند به مجروحان بدون هیچ گونه تجهیزاتی رسیدگی کنند، من را به عنوان یک مادر داغان می کند. این احتمال وجود دارد که برای یکی از فرزندان خودم این اتفاق بیفتد. هم مادر بودن و هم روزنامه نگار بودن سخت است."

به نظر می رسد امیر الفراء، کاملاً غرق در انجام یک مصاحبه تلفنی برای شبکه ماهواره ای که در آن کار می کند، شده است. هدفون را به برق وصل کرده است، روی صندلی پلاستیکی کنار دیوار که مملو از کابل های برق و اینترنت است نشسته و در حالی که چهره اش خسته است، از جنگ در غزه گزارش می دهد. به محض اینکه کارش تمام می شود، به من لبخند می زند: "من خبرنگار شبکه ماهواره ای الیوم هستم، پدر دو دختر هستم که بزرگترین آنها هفت ساله است و بسیار نگران آن ها هستم."

او در طول فعالیت مطبوعاتی خود شاهد بسیاری از عملیات نظامی بوده است. با این حال، دخترانش در آن زمان کوچکتر بوده و هنوز از ترس و انفجار چیزی نمی فهمیدند. این بار دختر بزرگش در واتس اپ برای او پیام صوتی فرستاده و التماس کرده کارش را رها کند و به خانه بیاید. او با گفتن "راکت!" دخترش را فریب می دهد.

او می گوید: "در برابر ترس های او احساس ناتوانی می کنم. نمی دانم چگونه به او اطمینان دهم. هر روز به او قول می دهم که به خانه بیایم، و این کاری است که انجام داده ام. من اهل خان یونس هستم. حوالی سحر در چادر مطبوعات حاضر می شوم و قبل از تاریک شدن هوا می روم." حدود ۱۵-۱۰ دقیقه طول می کشد تا به خانه برسم. با توجه به کمبود سوخت و بنزین و ترس رانندگان از رانندگی در تاریکی، یک روز که ماشینی پیدا نکرده و مجبور شد پیاده به خانه برود، زیرا چاره ای ندارد. او تنها برای دخترانش نمی ترسد، همسرش هم هست که باید از هر دو فرزندشان مراقبت کند. او می افزاید: "من به خاطر همه آنها برمی گردم".

اشغالگران تا تاریخ نگارش این گزارش ۲۱ خبرنگار مرد و سه خبرنگار زن را به قتل رسانده اند که برخی از آنها در جریان حملات هوایی در کنار اعضای خانواده و برخی دیگر در حین انجام وظیفه کشته شده اند.

این گزارش در تاریخ ۱۹ ژانویه منتشر شده و نویسنده آن نور سویرکی است.

منبع: بین الملل ترقی خواه – عکس: مد/ مصر